



یادداشتهای قرآنی

دکتر فریدون سیامک‌نژاد

(و آن‌ها از راه الهی منحرف شده و ایمان نمی‌آورند)، از آن‌ها روی برگردان. در عین حال، اعراض تو به معنی قهر و جدایی توأم با خشونت و پرخاشگری نباشد، بلکه به آن‌ها بگو: سلام بر شما.

البته، این سلام به‌عنوان دوستی و محبت نیست، بلکه به‌عنوان جدایی و بیگانگی است. این سلام، در حقیقت شبیه سلامی است که در آیه ۶۳ سوره فرقان آمده است: هنگامی که جاهلان، آن‌ها را با سخنان زشت خود، مورد خطاب قرار دهند، در پاسخ آن‌ها می‌گویند: سلام. سلامی که نشانه بی‌اعتنایی توأم با بزرگواری است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ
(آیه ۸۹ سوره زخرف)

پس (اکنون که چنین است) از آنان روی برگردان و بگو: سلام بر شما. اما به زودی خواهند دانست!

یادآوری

پس از هشدارهایی که به مشرکان در آیات قبل داده شد، در آیه فوق که در واقع آخرین آیه از سوره زخرف می‌باشد، به پیامبر (ص) دستور می‌دهد: اکنون که چنین است

یادآوری

همان‌گونه که ملاحظه فرمودید، سوره زخرف به یاری خداوند تبارک و تعالی به پایان رسید و اینک سوره دخان را به حول و قوه الهی شروع می‌کنیم.

سوره دخان از سوره‌های مکی است و به حکم این که در مکه نازل شده است، محتوای عمومی سوره‌های مکی، یعنی بحث از مبدأ و معاد و قرآن را دارا می‌باشد. آیات سوره دخان در زمینه‌های فوق، آن چنان تنظیم شده است که ضربات کوبنده و بیدار کننده‌ای بر قلب‌های خفته و غافل وارد می‌سازد و آن‌ها را به ایمان و تقوا و حق و عدالت فرا می‌خواند. لازم به یادآوری است که از آن جا که در آیه دهم این سوره، سخن از دخان مبین به میان آمده، این سوره به‌عنوان دخان نام گرفته است.

در آیه اول، این حقیقت را روشن ساخته و می‌گوید: به‌طور مسلم، ما قرآن را در شبی پُر برکت نازل کردیم.

این کدام شب است که مبدأ خیرات و سرچشمه خوبی‌های پایدار می‌باشد؟

غالب مفسران، آن را به شب قدر تفسیر کرده‌اند. شب پُر برکتی که مقدرات جهان بشریت با نزول قرآن، رنگ تازه‌ای به خود گرفت. شبی که سرنوشت خلائق و مقدرات یک سال در آن رقم زده می‌شود. آری قرآن در شبی سرنوشت ساز، بر قلب پاک پیامبر (ص) نازل شد.

با این حال، آن‌ها را با جمله‌ای پُر معنی تهدید می‌کند، تا گمان نکنند این جدایی و وداع، دلیل بر آن است که خداوند تبارک و تعالی، کاری با آن‌ها ندارد و می‌فرماید: اما به زودی خواهند دانست.

آری خواهند دانست چه آتش سوزان و عذاب دردناکی با لجاجت‌های خود، برای خویشتن فراهم ساخته اند؟!

البته، باید گفته شود که خداوند به آن‌ها اخطار کرده که ملائکه برای احدی در قیامت شفاعت نمی‌کنند، مگر برای کسانی که گواهی به حق دهند. این‌ها نیز کسانی جز مؤمنان و صالحان نمی‌باشند.

پروردگارا! ارتباط و پیوند ما را با خود و اولیاء خود، روز به روز محکم‌تر گردان تا مشمول شفاعت آن‌ها شویم. خداوند! ما را از هر گونه شرک محفوظ و بر کنار دار.

بارالها! روز قیامت با اوصافی که در قرآن بیان کرده‌ای، روز سخت و طاقت فرسایی است. در آن روز، با فضیلت با ما معامله کن، نه با عدالت (پنجشنبه ۹۹/۱۱/۲۳).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ (۳)
فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ (۴) (آیات ۳ و ۴)
سوره دخان

که ما آن را در شبی پُر برکت نازل کردیم. ما همواره انداز کننده بوده‌ایم. در آن شب، هر امری بر اساس حکمت (الهی) تدبیر و جدا می‌گردد.

یادآوری

تکبر و استکبار در برابر خداوند متعال به شکل‌های مختلف در قرآن مجید آمده و افراد نوع بشر را از آن نهی کرده است.

از این رو، در آیه اول، حضرت موسی(ع) بعد از دعوت کسانی که در برابر رسالت الهی ایستادگی کرده بودند، چنین می‌گوید که مأموریت دیگر من این است که به شما بگویم: در برابر خداوند تکبر نوزید و استکبار نکنید و حد خویش نگه دارید، که من برای شما دلیل روشنی بر گفته‌های خود آورده‌ام. به عبارتی، حضرت موسی(ع) در این رابطه، هم معجزات آشکار داشت و هم دلایل منطقی روشنی عنوان می‌نمود.

در ادامه و در آیه بعد واز آن جا که مستکبران دنیا پرست، هر کس را در جهت مخالف منافع نامشروع خود ببینند، از هیچ‌گونه تهمت و ناسزا وحتی قتل و اعدام، فروگذار نمی‌کنند، حضرت موسی(ع) به‌عنوان پیشگیری می‌افزاید: من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم از این که مرا متهم به سنگ‌سار کنید.

این تعبیر ممکن است اشاره به این باشد که من از تهدیدهای شما باکی ندارم و تا آخرین نفس ایستاده‌ام و خدا حافظ و نگاه‌دار من است.

این‌گونه تعبیرها، قطعیت بیش تری به دعوت رهبران الهی می‌داده و اراده دشمنان را تضعیف و بر استقامت دوستان می‌افزوده است، چرا که می‌دانستند رهبرشان تا آخرین مرحله مقاومت می‌کند.

این نکته لازم به تذکر است که ظاهر آیه این است که تمام قرآن مجید، در شب قدر نازل گردید. اما هدف اصلی از نزول آن چه بود؟ همان است که در ذیل همین آیه به آن اشاره شده و می‌فرماید: ما همواره انذارکننده بودیم.

درست است که پیامبران از یک سو انذار می‌کنند واز سوی دیگر بشارت می‌دهند، اما چون پایه اصلی دعوت آن‌ها را در مقابل قوم ظالم و مجرم، بیشتر بیم و انذار تشکیل می‌دهد، غالباً از آن سخن گفته شده است.

در آیه بعد توصیف و توضیحی برای شب قدر است و می‌گوید: شب قدر شبی است که هر امری از امور، بر طبق حکمت الهی تفضیل و تبیین می‌شود. این بیان، هماهنگ با روایات بسیاری است که می‌گوید در شب قدر، مقدرات یک سال همه انسان‌ها تعیین می‌گردد و ارزاق و سر آمد عمرها و امور دیگر، در آن شب، تفریق و تبیین می‌شود (جمعه ۹۹/۱۱/۲۴).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۱۹) وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ (۲۰) (آیات ۱۹ و ۲۰ سوره دخان)

و در برابر خداوند تکبر نوزید، که من برای شما دلیل روشنی آورده‌ام و من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم از این که مرا متهم کنید.

کسانی نیز نشوند که به سوی مطالبی تمایل داشته و آن را قبول دارند.

تا مادامی که اعتقاد افراد برای خودشان بوده و مانعی بر سر راه مردم ایجاد نمی‌کند، مشکل‌ساز نخواهد بود. مسأله از زمانی آغاز می‌شود که افراد، علاوه بر تبلیغ اعتقادات خود، مانع اعتقادات دیگران شده و در جامعه ایجاد مسأله نمایند.

این مطلب در زمان بیشتر پیامبران الهی وجود داشته، گروهی که منافع خود را در خطر می‌دیدند، در برابر رسالت فرستادگان خدا ایستادگی کرده، مانع پیوستن افراد دیگر به راهنمایی‌های رسولان خدا می‌شدند.

از این رو، حضرت موسی (ع) در آیه فوق خطاب به مخالفان چنین می‌گوید که اگر به من ایمان نمی‌آورید، لااقل مرا رها کنید و کناره‌گیری نمایید و مزاحم ایمان آوردن مردم نشوید.

واقعیت مسأله این است که حضرت موسی (ع) اطمینان داشت که با در دست داشتن آن معجزات و دلایل قوی و وعده‌های الهی، به پیش رفت خود در میان قشرهای مختلف مردم ادامه خواهد داد و انقلاب او به زودی به ثمر خواهد نشست. از این رو، همین اندازه قانع بود که آن افراد معاند و بهانه‌جو، سد راه او نشوند و مزاحم او نگردند (یک‌شنبه ۹۹/۱۱/۲۶).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هَاؤُلَاءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ
(آیه ۲۲ سوره دخان)

تکیه روی مسأله سنگ سار کردن، ممکن است از این جا سر چشمه گرفته باشد که بسیاری از رسولان الهی را قبل از موسی (ع)، تهدید به سنگ سار کردند. از جمله در آیه ۱۱۶ سوره شعرا که می‌فرماید: ای نوح! اگر خودداری نکنی، سنگ سار خواهی شد.

این احتمال نیز از سوی بسیاری از مفسران داده شده که «رجم» به معنی متهم ساختن و دشنام دادن است، زیرا این واژه در این معنی نیز به کار می‌رود و در حقیقت پیش‌گیری از تهمت‌هایی است که بعداً به موسی (ع) زدند. استعمال این کلمه در معنی گسترده‌ای که هر دو معنی را شامل می‌شود نیز ممکن است (شنبه ۹۹/۱۱/۲۵).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا إِلَىٰ فَاغْتَبِلُونِ (آیه ۲۱ سوره دخان)

و اگر به من ایمان نمی‌آورید، از من کناره‌گیری کنید (و مانع ایمان آوردن مردم نشوید).

یادآوری

این مسأله که ایمان نیاوردن افراد وعدم اعتقاد به مسأله‌ای در جامعه، ممکن است تنها به خود افراد محدود شود، در مورد بسیاری از مسایل فردی و اجتماعی صدق می‌کند. یعنی ممکن است کسی و یا کسانی به امری اعتقاد نداشته و مخالف مسأله‌ای باشند، ولی این نکته فقط در مورد خودشان بوده، کاری به کار کسی نداشته باشند. این مسأله باعث می‌گردد که این‌گونه افراد سد راه

فرود آید و آن‌ها را درو کند و صفحه زمین را از لوٹ وجودشان پاک سازد.

به همین دلیل است که حضرت موسی (ع) به پیش‌گاه پروردگار خود چنین عرضه داشت که این‌ها قومی مجرم و گناه‌کار هستند.

چه نفرین مؤذبانه‌ای می‌کند. نمی‌گوید که خداوند! آن‌ها را چنین و چنان کن، بلکه همین اندازه می‌گوید: خداوند! این‌ها گروهی مجرم هستند که امیدی به هدایت‌شان باقی نمانده است.

بنابراین، مشخص می‌شود که افراد مقابل حضرت موسی (ع)، افرادی بودند که به واسطه غرور و خودخواهی و لجبازی، در برابر رسالت الهی ایستادگی کرده و گم راه شدند. از خداوند می‌خواهیم که به ما توفیق دهد تا افراد با گذشته‌ی باشیم. از درگاهش مسألت می‌نماییم که مصلحان و رهبران جامعه را طوری هدایت فرماید که در گفتار و کردار خویش، مروج دوری از گناه و فساد بوده، اجتماع و مردم را از غیبت کردن و تهمت زدن، بر حذر دارند (دوشنبه ۹۹/۱۱/۲۷). ایام‌تان به کام، عاقبت‌تان ختم به خیر. التماس دعا.

(آن‌ها هیچ یک از این پندها را نپذیرفتند و موسی) به پیش‌گاه پروردگارش عرضه داشت: این‌ها قومی مجرم هستند.

یادآوری

همان‌گونه که در آیات قبل متذکر شدیم، افراد لجوج و معاند و از خدا بی‌خبر، پندهای حضرت موسی (ع) را نپذیرفتند و در برابر او ایستادگی کردند.

از این رو، حضرت موسی (ع) در آیه فوق به این مسأله اشاره کرده و چنین عنوان نمود که آن‌ها هیچ یک از پندها را نپذیرفتند و ایشان به پیش‌گاه پروردگار خود عرضه داشت که این‌ها قومی مجرم هستند.

واقعیت مسأله این است که حضرت موسی (ع) از تمام وسایل هدایت برای نفوذ در دل‌های تاریک این مجرمان استفاده کرد، ولی هیچ اثری در فرعونیان نبخشید. هر دری را می‌توانست کوبید، ولی عاقبت زان در برون نامد سری!

از این رو، مایوس شد و چاره‌ای جز نفرین به آن‌ها ندید، چرا که قوم فاسدی که هیچ امیدی به هدایت‌شان نباشد، حق حیات از نظر نظام آفرینش ندارند. باید عذاب الهی